

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۵۱

جمعه ۲۷ بهمن ۱۳۹۶، ۱۶ فوریه ۲۰۱۸

اطلاعیه مطبوعاتی

پاسخی به بیانیه رفراندوم ۱۵ نفره

اخیرا ۱۵ نفر از فعالین سیاسی با صدور بیانیه ای خواهان برگزاری رفراندوم برای تعیین نوع حکومت آینده ایران شده اند. این رفراندوم قرار است زیر نظر سازمان ملل و خامنه ای و روحانی و سپاه پاسداران و کلیت حکومت اسلامی برای "گذار مسالمت آمیز" از نظام اسلامی انجام شود!

فراخوان دهندگان خودشان اذعان میکنند این طرح برای اجرایش نیست، پس شان نزول این طرح چیست؟

علت اصلی صدور این بیانیه ترس فراخوان دهندگان از طوفانی است که در آسمان سیاست در ایران وزیدن گرفته است. اینان که تا دیروز طرفدار استحاله حکومت یعنی حفظ نظام جمهوری اسلامی با ظاهری دیگر بوده اند و برخی از آنان خود در برپائی این نظام سهم داشته اند، نگران آن هستند که طوفان زیر و رو کننده ای که آغاز شده دامن خود آنان را نیز بگیرد.

هدف دیگر آنان حفظ پایه های دستگاه حاکم در برابر طوفان انقلاب است. بخش بزرگی از امضا کنندگان مدافعین "اسلام بهتر" و "اسلام با حقوق زنان تناقضی ندارد" و حکومت مرمت شده اسلامی، و

به حزب کمونیست
کارگری ایران پیوندید

مینا احدی، سخنگوی حزب
کمونیست کارگری ایران
۱۴ فوریه ۲۰۱۸
۲۵ بهمن ماه ۱۳۹۶

انقلاب یا رفراندوم؟ حکومت چگونه سرنگون میشود؟

مصاحبه خلیل کیوان با حمید تقوایی

این نوشته بر مبنای مصاحبه در برنامه پاسخ در کانال جدید تدوین شده است.

صفحه ۲

در ایران مبارزه فقط علیه حکومت اسلامی نیست، علیه مذهب و اسلام و الله هم هست!

دولت آلمان و پست مدرنیستها از حکومت اسلامی و حجاب و ارتجاع دفاع میکنند!

سخنرانی پرشور مینا احدی در مقابل هتل ماریتیم در برلین در روز ۱۲ فوریه

صفحه ۵

گزارشی از تظاهرات علیه مراسم جمهوری اسلامی در برلین

صفحه ۶

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۷

استحاله چی های سابق و رفراندوم چی های امروز

شهلا دانشفر

صفحه ۸

به این کشتار گاه باید سریعاً پایان داد

کاظم نیکخواه

صفحه ۸

سناریوی سیاه خودکشی

آرش دشتی

صفحه ۱۰

اطلاعیه ها:

پزشکان "طرحی" در سراسر کشور دست به اعتصاب زدند

صفحه ۴

جان های عزیزی که ارزان از دست میدهم!

صفحه ۶

زنده باد هشت مارس، زنده باد دختران انقلاب!

صفحه ۹

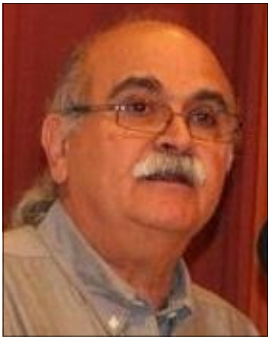
زندانی سیاسی آزاد باید گردد

صفحه ۱۰

انقلاب یا رفراندوم؟ حکومت چگونه سرنگون میشود؟

مصاحبه خلیل کیوان با حمید تقوایی

این نوشته بر مبنای مصاحبه در برنامه پاسخ در کانال جدید تدوین شده است.



تغییراتی و مرمستی در حکومت بشود و نظام همچنان حفظ شود و به همین دلیل بحث رفراندوم را مطرح میکنند.

خلیل کیوان: در همین بیانیه ۱۵ نفره تاکید میکنند که باید جامعه راه گذار مسالمت آمیز در پیش بگیرد. آیا برای پرهیز از خشونت همانطور که این ۱۵ نفر تاکید میکنند خود رفراندوم یک امتیازی نیست نسبت به راه حلی مثل انقلاب؟

حمید تقوایی: اینهم موضوع همیشگی اینها بوده است. از این نظر اینها با سلطنت طلبها فصل مشترک دارند. میگویند انقلاب خشونت است خوب بارها ما گفته ایم که انقلاب خشونت نیست، ضد انقلاب خشونت است. اولاً یک خشونت هر روزی ای داریم در آن جامعه که همین امروز در وسعت به اصطلاح کسانی که خودکشیشان میکنند در زندانها خودش را نشان میدهد، یا قطع دست که چند هفته پیش اتفاق افتاد و صدها و صدها موارد دیگر که نشاندهنده یک خشونت سازمان یافته در جامعه هست. زمانی که مردم بلند میشوند که این دستگاه خشونت را به هم بزنند یک عده میایند جلو که مردم خشونت نکنید، مردم مسالمتجو باشید!

نکته دیگر اینکه مردم به خیابانها آمده اند و میگویند این حکومت باید برود. مسالمت آمیزتر از این نمیشود. مردم میگویند فقر نمیشوایم، فلاکت و گرانی نمیشوایم، بی حقوقی نمیشوایم، زن و مرد باید برابر باشند، برای تحقق این خواسته ها این حکومت باید برود و حکومت شروع میکند به بگیر و بسندی که تا حالا هم راه انداخته است، آنوقت اینها میگویند

سر جمهوری پارلمانی دموکراتیک و سکولاریستی. کی اینرا گفته است؟ الترناتیوهای دیگر چه؟ از کجا میدانید مردم جمهوری سوسیالیستی نخواهند؟ از کجا میدانید مردم حکومت های نوع دیگری نخواهند خواست؟ چه کسی گفته است مسئله بر سر انتخاب بین جمهوری اسلامی و یا نوع حکومت پارلمانی است که اینها می گویند؟ بنظر من این تلاشی است برای قیچی کردن حرکت مردم، انقلاب مردم، و مطرح کردن آن الترناتیوی است که باب دل خود اینهاست. آلترناتیو خود اینهاست نه الترناتیوی که لزوماً جامعه میخواهد، مردم میخواهند و یا انقلاب به آنطرف میرود.

نکته دیگر این هست که اینها دارند به نحوی به مردم میگویند به بالا نگاه کنید. سازمان ملل گویا دارد میاید و قرار است بحث این باشد که سازمان ملل چه بکند و چه نکند و بعد سازمان ملل به اضافه جمهوری اسلامی و جناحهایش و وزارت کشور رفراندومی را سازمان بدهد و غیره و غیره. این ملامت قرار است تکلیف سیاسی جامعه را روشن کند. چرا؟ نفس اینکه چنین بحث هایی براه افتاده است بخاطر بهمین دلیل خواستار یک جمهوری دموکراتیک و سکولار شده اند. میخواهم از شما بپرسم نفس اینکه اینها گفته اند حکومت قابل اصلاح نیست و می گویند یک جمهوری سکولار و دموکرات بیاید روی کار، آیا خود این پیشرفت سیاسی نیست؟ **حمید تقوایی:** در مقایسه با مواضع قبلی خودشان پیشروی است اما در مقابل آنچه جامعه میخواهد فرسنگها عقب است. مردم اعلام کرده اند این حکومت باید برود. و حالا عده ای اعلام میکنند لطفاً انقلاب نکنید و بیایید با رفراندوم تکلیف را روشن کنیم. بعداً صحبت میکنیم که این چقدر عملی است و اصلاً چقدر این بحث جدی است. اما گذشته از این میگویند رفراندوم بر

شرایط و موقعیت همین امروز حکومت و بحران حکومت است. مردم مدتهاست دارند میگویند نه اصول گرا نه اصلاح طلب و جمهوری اسلامی را نمیخواهیم. حرکت مردم اساس و مضمون و جوهرش کنار زدن کلیت جمهوری اسلامی و سرنگونی حکومت است. بن بست است که حکومت امروز دچار شده است ناشی از همین به چالش کشیده شدن بوسیله مردم سرنگونی طلب است که اینها راه حلی در برابرش ندارند. طرح رفراندوم را باید یک نوع تلاش و نوعی تبلیغات حکومتها دانست. حکومتی که در کنجی گیر افتاده و راه پس و پیش ندارد دم از رفراندوم میزند. چنین طرحهایی را خودشان هم جدی نمی گیرند. در صفوف خود حکومت جواب روحانی را داده اند و این مسئله به مسئله دیگری در کشاکش میان جناحها تبدیل شده است. هر دو جناح به آخر خط رسیده اند.

خلیل کیوان: آخرین طرفداران رفراندوم همین ۱۵ نفری هستند که بیانیه داده اند کسانی که طرفدار خط استحاله در حکومت بودند. اینها در بیانیه شان تاکید میکنند که حکومت قابل اصلاح نیست و بهمین دلیل خواستار یک جمهوری دموکراتیک و سکولار شده اند. میخواهم از شما بپرسم نفس اینکه اینها گفته اند حکومت قابل اصلاح نیست و می گویند یک جمهوری سکولار و دموکرات بیاید روی کار، آیا خود این پیشرفت سیاسی نیست؟ **حمید تقوایی:** در مقایسه با مواضع قبلی خودشان پیشروی است اما در مقابل آنچه جامعه میخواهد فرسنگها عقب است. مردم اعلام کرده اند این حکومت باید برود. و حالا عده ای اعلام میکنند لطفاً انقلاب نکنید و بیایید با رفراندوم تکلیف را روشن کنیم. بعداً صحبت میکنیم که این چقدر عملی است و اصلاً چقدر این بحث جدی است. اما گذشته از این میگویند رفراندوم بر

را در پیش بگیرند. البته این را هم بگوئیم که با توجه به اعتراضات مردم و انقلابی که شروع شده است در موضع آنها تغییری کرده است. میگویند منظور ما از رفراندوم امروز نیست بلکه رفراندوم بعد از سرنگونی حکومت است. امروز چنین موضعی دارند ولی در هر حال همانطور که گفتم اساس مساله مخالفت استراتژیک سلطنت طلبان با انقلاب و هراس آنها از انقلاب است.

خلیل کیوان: سلطنت طلبان تنها نیروی نیستند که از رفراندوم صحبت میکنند. امروز حتی روحانی هم از رفراندوم صحبت میکند و میگوید که رفراندوم راه حلی است که از بن بست سیاسی خارج بشویم. آیا این واقعا راه حلی برای خارج شدن حکومت از این بن بست سیاسی است؟

حمید تقوایی: این را روحانی در سخنرانی ۲۲ بهمن خود گفت و نکته اصلی در این سخنرانی صحبت از بن بست سیاسی است. تا بحال مقامات حکومتی هیچوقت از بن بست سیاسی حرف نزده بودند. ما مدتهاست که گفته ایم این حکومت به آخر خط رسیده است، با بن بست سیاسی و اقتصادی روبرو است و راه حلی ندارد. الان خودشان اعتراف میکنند که به بن بست رسیده اند و رفراندوم را مطرح میکنند که نظام و حکومتشان را حفظ کنند. ایشان میگویند که در قانون اساسی پیش بینی شده است در شرایطی که مسائل مهمی مطرح است رفراندوم کنیم، دوسوم نمایندگان مجلس باید تأیید کنند و غیره ولی معلوم نیست سوال رفراندوم چیست. از صحبت روحانی اینطور برمیآید که گویا رفراندوم قرار است بین دو جناح بد و بدتر باشد. یعنی مردم بیایند تکلیف جدال بین دو جناح اصلاح طلب و اصول گرا را تعیین کنند. روحانی چنین منظوری دارد و از این فراتر نمیرود. این کیلومترها عقب تر از

خلیل کیوان: پانزده نفر از شخصیت های موسوم به اصلاح طلب که در میان آنها اسم محسن سازگارا از بنیانگزاران سپاه پاسداران نیز دیده می شود، در بیانیه ای خواستار رفراندوم شده اند. برگزاری رفراندوم موضوع تازه ای نیست. قبلاً هم نیروهای راست از جمله سلطنت طلبان خواستار برگزاری رفراندوم شده بودند، اخیراً آقای روحانی هم از رفراندوم صحبت میکنند. در این مورد با حمید تقوایی صحبت می کنیم.

حمید تقوایی به این برنامه خوش آمدید. ابتدا از سلطنت طلبان شروع کنیم. دلیل اینها برای رفراندوم چه هست؟

حمید تقوایی: مدتهاست که طیف سلطنت طلب از رفراندوم صحبت میکنند و این دلیلش روشن است و خودشان هم گفته اند. اینها انقلاب را خشونت میدانند، انقلاب را حرکت بی سرو پاها میدانند، حرکتی که جامعه و نظم جامعه را بهم میریزد و ازینرو سلطنت طلبان از لحاظ اصولی، هویتی و استراتژیک با انقلاب مخالف هستند. از طرف دیگر اپوزیسیون جمهوری اسلامی هستند و از براندازی صحبت میکنند. رفراندوم یک نوع راه حل تغییر حکومت بدون انقلاب است.

این را هم باید در نظر بگیریم که سلطنت طلبان در شرایط مختلف مواضع متفاوتی هم داشته اند. مثلاً در مقاطعی در کنار اصلاح طلبان در انتخاباتها قرار گرفتند و از آنها حمایت کردند. و زمان دیگری که راه همراه کردند و همیشه سعی کرده اند بخصوص حمایت دولتهای خارجی، آمریکا و کشورهای اروپایی، را داشته باشند تا به عنوان الترناتیو خودشان را مطرح کنند. مطلوبیت رفراندوم در عین حال از نظر اینها اینست که دولتهای غربی هم با آن مخالفتی نخواهند داشت و آنرا قبول خواهند کرد. همه اینها باعث میشود که اینها خط رفراندوم

انقلاب خشونت است! ضد انقلاب خشونت است. مردم حق دارند در مقابل کسی که به آنها تیراندازی میکند، حرکت مسالمت آمیز مردم را با کهریزک ها جواب میدهد، حکومتی که با خودکشی کردن در زندانها جواب مردم را میدهد، دست به اسلحه ببرند و اگر مجبور شوند باید این کار را بکنند. حتی در قانون اساسی امریکا (بیل آو رایتز) برسمیت شناخته شده است که مردم حق دارند در مقابل تعرض حکومت های سرکوبگر اسلحه بردارند. بنابراین این بحث مسالمت آمیز یک نوع ترفند یک نوع گفتمان ظاهر الصلاح و وجه المله ای است برای نجات دادن دستگاه اصلی خشونت و پنهان کردن چهره واقعی خشونت. در جامعه ایران جمهوری اسلامی عامل خشونت است چه در شرایط عادی و بخصوص چه در شرایط انقلابی و برای اینکه این خشونت به پایان برسد باید به قدرت مردم هر چه زودتر این دم و دستگاه به زیر کشیده شود. در این روند اگر مردم مجبور شوند باید در مقابل کشتاری که حکومت برآه میاندازد، در برابر خشونت حکومت، جواش را بدهند و دست به اسلحه ببرند. مردم حق دارند، حق طبیعی شان است باید این کار را بکنند. انقلاب یعنی همین. نکته ای دیگری که من باید همینجا بگویم اینست که وقتی که اینها از مسالمت صحبت میکنند به روشنی منظورشان این است که گویا اعتصاب، تظاهرات و غیره اینها گویا همه غیر مسالمت آمیز است. به مردم میگویند بشینید در خانه تا سازمان ملل تشریف بیاورد، بالایشان بیایند و بساط فرزندم را پهن کنیم. به این معنا هم بحث اساسا بر سر مسالمت و خشونت نیست، بحث سر این است که انقلاب نباید بکنید بخاطر اینکه انقلاب تیشه به ریشه میزند. انقلاب کل نظام را زیر و رو میکند و اینها همین را نمیخواهند. میخواهند حتی اگر رونای اسلامی آن کنار برود، این ساختمان همچنان بماند. ببینید انقلاب فقط این نیست که خواسته های رادیکالی دارد، انقلاب شیوه تحقق این رادیکالیسم هم هست. تنها انقلاب میتواند خواستهای رادیکال را متحقق کند. در روند انقلاب مردم به دستگاههای

حکومتی حمله میکنند و آنرا در هم می ریزند همانطور که در قیام بهمن ۵۷ اتفاق افتاد. مراکز اطلاعاتی و پادگانها و پایگاههای سرکوب رژیم و دفاتر ساواک رژیم همه اینها مورد حمله مردم قرار گرفت و در همان مقطع هم دار و دسته خمینی تمام تلاششان را کردند که دستگاه سرکوب حکومت شاه را از گزند مردم دور نگه دارند. شاه رفت، سلطنت از بین رفت، جمهوری اسلامی آمد ولی ساواک و ارتش باقی ماند و ساواک شد ساواوا، وزارت اطلاعات حفظ شد، ارتش و همه نیروهای سرکوبگر حفظ شد و تازه به آنها اضافه هم شد. حالا همین ترفند را اینها میخواهند با طرح فرزندم پیاده میکنند. فرزندم قرار نیست زندانها را منحل کند، فرزندم قرار نیست زندانیان را آزاد کند، فرزندم قرار نیست سپاه و بسیج و دستگاه سرکوبگر را کنار بگذارد، فرزندم قرار نیست حق مستقیم مردم را در اعمال اراده و تعیین سرنوشتشان تضمین کند. میگویند نظام پارلمانی هر چهار سال یک بار. فرزندم حتی قرار نیست پایه ای ترین خواست های مردم را متحقق کند. با مسئله فلاکت و فقر چکار میکنید؟ با مسئله بیکاری و گرانی چکار میکنید؟ جمهوری پارلمانی قرار است بیاید ریاضت کشی اقتصادی را این بار زیر نظر بانک جهانی پیاده کند. انقلاب در واقع به زیر همه اینها میزند و فرزندم می خواهد اینها حفظ شود. میخواهند همانطور که رژیم شاه رفت و دستگاه حکومتش دست نخورده افتاد بدست خمینی و دار و دسته اش، این بار خامنه ای و دار و دسته اش کنار بروند ولی همین سیستم حفظ شود و بیفتد بدست امثال سازگارا و غیره و غیره. بدست همین کسانی که بقول خود شما در پایه گذاری همین حکومت نقش داشته اند. بنظر من داستان اینجاست و ما که انقلابی هستیم میخواهیم مسائل مردم از ریشه حل کنیم و نه مرمتی در سیستم که سر حکومت، مقامات، چهره ها را از بالا را برداریم، عمامه را برداریم، بجایش کلاه و کراوات بگذاریم و بگویم خوب مسئله حل شد، سرنگون شد. انقلاب به این راضی نمیشود.

به این نکته هم اشاره بکنم در انقلاب ۵۷ که ما به خاطر داریم و هر کس آن تاریخ را خوانده میداند که مردم وسیعا شوراها را تشکیل دادند. مردم وقتی که از دمکراسی صحبت میکردند منظورشان حاکمیت شوراها بود و در نهایت حکومت اسلامی با سرکوب در ۳۰ خرداد ۶۰ توانست این جنبش شورایی را به عقب بکشد. اینها وقتی که میگویند پارلمان دارند از حالا دارند این روند را قیچی میکنند. اگر این مردم در انقلاب ۴۰ سال پیش تا شوراها رفتند اینبار بسیار جلوتر میروند اگر انقلاب عمیقتر شود و به پیش برود. چه کسی گفته که پارلمان جواب مردم است؟ چه کسی گفته که دخالت مستقیم مردم را باید قیچی کرد و پارلمان بجایش گذاشت؟ مگر انقلابات منطقه همین را اعلام نکرد و گرچه بشکست کشانده شد ولی مردم اعلام کردند میخواهیم امور خودمان را خودمان در دست بگیریم.

خلیل کیوان: شوراها چه برتری بر پارلمان دارند؟

حمید تقوایی: شورا دخالت مستقیم مردم هست در امور خودشان. در نظام پارلمانی آنهم در کشورهای اروپایی که به اصطلاح دمکراسی هست مردم را هر چهار سال یکبار به پای صندوق انتخابات میبرند تا بین دو یا سه تا از احزاب رسمی انتخاب کنند و بعد مردم را میفرستند خانه تا چهار سال دیگر دیگر نمیشود به آنکسی که انتخاب شده، رئیس جمهور، نخست وزیر یا پارلمان، دست بزنید. "وعده های انتخاباتی" در همین به اصطلاح ممالک مهد دمکراسی به جای "دروغ" بکار میروند، مترادف دروغ است. وعده میدهند، انتخاب میشوند و هیچکاری هم نمیکنند و تا چهار سال بعد دست بهشان نمیشود زد. جنبش اشغال اگر به یاد داشته باشید یکی از شعارهایشان این بود که آزادی مردم از صندوق رای بیرون نیاید. اعمال اراده مردم با انتخابات و رای هر چهار سال یکبار کاملا فرق میکنند. انقلاب تا بدست گرفتن امور بدست مردم به پیش میروند. انقلاب ۵۷ همینطور شد و الان با توجه به تجربه انقلابات

منطقه و جنبش نود درصدیها این طبیعی ترین و بیشترین احتمال است که مردم تا اعمال اراده مستقیم خود پیش بروند. حالا ممکن است اسمش شوراها نباشد، تحت نام نهادهای مردمی یا هر اسم دیگری شکل بگیرد، دعوا سر اسم نیست. هر اسمی داشته باشد ارگان اعمال اراده مستقیم مردم در تعیین سرنوشتشان و در دست گرفتن زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی شان است. وقتی کسی این وسط میاید و میگوید انقلاب نکنید و با راه حلهای دیگری مثل فرزندم رژیم را عوض میکنیم، این "به شیوه های دیگر" یعنی رژیم را آنطور که شما میخواهید و مطلوب شماست عوض نمیکنیم. بخش اساسی اش را حفظ میکنیم و روینایش را تغییراتی میدهم.

خلیل کیوان: شیرین عبادی از امضا کنندگان این بیانیه گفته است که این طرح برای اجرا نیست یعنی امیدی به اجرا شدن این طرح ندارد و آژ آنظر میگوید که این طرح برای این است که اپوزیسیون داخل و خارج را به هم متحد کند و برای اینست که از خشونت اجتناب کنیم.

حمید تقوایی: خانم عبادی هدف واقعی شان را بیان کرده است اما البته همه شان نمیگویند این طرح اجرایی نیست بعضی هم میگویند باید اجرا کرد.

منظور خانم عبادی از اپوزیسیون خارج همان اپوزیسیون سلطنت طلب است که از مدت های قبل خواهان فرزندم بوده است. معمولا اصلاح طلبان حکومتی و نیروهای راست و سلطنت طلبها در بحرانها و تندبچهها به هم نزدیک میشوند. این بار هم دارد این اتفاق میافتد. این را هم باید در نظر بگیریم که برخی از این امضا کنندگان خودشان مستقیم یا غیر مستقیم در پایه گذاری و روی کار آوردن این حکومت نقش داشته اند، در تحکیم بخشیدن و حتی در سازمان دادن نیروهای سرکوبگرش نقش داشته اند. ما همیشه کسانی مثل محسن سازگارا را پاسدار-ولتر لقب داده ایم. کسانی که قبلا پاسدار بودند و امروز ظاهرآ آزادخواه شده اند. در واقع این طرح فرزندم یک چراغ سبزی است به

اپوزیسیون راست که ما هم جهت و هم خط هستیم و به این ترتیب میتوانیم در یک جبهه قرار بگیریم. منظور ایشان از وحدت داخل و خارج این است. در مورد مسالمت آمیز هم قبلا گفتم منظورشان چیست.

خلیل کیوان: یکی از چهره های شاخصی که این بیانیه را امضا کرده اند آقای محسن مخملباف است. ایشان میگوید با فشار مردم میشود فرزندم را به حکومت تحمیل کرد. آیا بنظر شما این ممکن است؟

حمید تقوایی: ایشان میگوید مردم با شعار فرزندم بیایند تو خیابانها اعمال فشار کنند و رژیم را مجبور کنند که به فرزندم تن بدهد. خوب مردم فی الحال با شعار حکومت اسلامی نمیخواهیم، جمهوری اسلامی باید سرنگون شود به خیابان آمده اند. تغییر این شعار به فرزندم این به عقب کشیدن مردم است. ببینید من بارها این مثال را زده ام مثل این است مردم با قطار انقلاب پیش میروند یکی میاید دو چرخه فرزندم را به آنها نشان میدهد و میگوید از این طریق باید جلو برویم. این عقب کشیدن مردم تحریف حرکت مردم است. اگر مردم میتوانند رژیم را مجبور کنند فرزندم بگذارد چرا مجبورش نکنند که کنار نکشد؟ چرا اول استعفا ندهد و بعد فرزندم بشود؟ چرا اول سرنگون نشود و بعد فرزندم بگذاریم؟ بنابراین بحث بر سر عملی بودن یا عملی نبودن نیست. اولاً هیچ حکومتی در طول تاریخ سابقه نداشته است که بر سر بود و نبود خودش فرزندم کند. در ثانی اگر اینرا در شرایط عادی و آرام میگفتند باز میگفتیم اینها دارند حکومت را چالش میکنند ولی وقتی که مردم در خیابانها هستند و توده مردم بلند شده اند و هر روز روی دیوارها دارند مینویسند، فریاد میزنند، و با هزار و یک زبان میگویند که جمهوری اسلامی را نمیخواهند و باید این حکومت برود شما سر چه چیزی فرزندم میکنید؟ مگر مردم نگفته اند این حکومت را نمیخواهند؟ مگر رای مردم معلوم نیست؟ ببینید خود حکومت گفت ۲۲ بهمن خودش یک نوع فرزندم

تمام آمرین و عاملین جنایات جمهوری اسلامی در چند دهه گذشته باید دستگیر و علنا محاكمه شوند!

کلیه نیروهای
سرکوبگر
جمهوری اسلامی
باید فوراً منحل شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party Of Iran

این را هم بگویم که آلترناتیو آن نیروی در چنین رفراوندومی رای خواهد آورد که مردم در انقلاب به رهبری قبولش کرده باشند و باندازه کافی نفوذ اجتماعی پیدا کرده باشد. اگر از ما بپرسند ما خواهان جمهوری سوسیالیستی هستیم و میدانیم با رفراوندوم نمیشود جمهوری سوسیالیستی آورد. ما تلاشمان را میکنیم که در روند این انقلاب نشان بدهیم که آلترناتیو سوسیالیستی جواب مسائل و دردهای مردم است و حزبی که میتواند این کار بکند حزب کمونیست کارگری ایران است. اگر این اتفاق بیفتد رفراوندوم بعد از سرنگونی به احتمال خیلی زیاد آلترناتیو حزب را انتخاب خواهد کرد.

fb.com/
wpiran/

میایستادند. سلطنت طلبانی که تا دیروز سناریوهای رژیم جنجی را دنبال میکردند نیز همینطور. اگر هیچ يك از این نیروها این را نمیگویند و چنین نمیکنند دارند روی همان خط گذشته حرکت میکنند.

خلیل کیوان: آیا شما با رفراوندوم مخالفت اصولی دارید؟ آیا در هر شرایطی با رفراوندوم مخالفت میکنید؟

حمید تقوایی: به هیچوجه. نکته اول این است که موضوع رفراوندوم چیست. مثلاً میشود رفراوندوم برای تغییر قانون اساسی برگزار شود. در همین جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است. میشود

بعد از سرنگونی حکومت برای تعیین حکومت بعدی رفراوندوم کرد. اینها هم دیده ایم که در انقلاب ۵۷ اتفاق افتاد. رفراوندوم میکنند مثلاً در کانادا برای جدائی ایالت کبک و یا برای مسائلی مهمی که در جامعه هست ولی هیچوقت برای بود نبود يك حکومت رفراوندوم نمی کنند. این سابقه ندارد. چنین چیزی امکان

ندارد، چنین اتفاقی نمی افتد. ما با رفراوندوم علی الاصول مخالف نیستیم. ما با رفراوندوم بر سر مسائل مهمی در جامعه، حالا هر کجا باشد، البته به شرط آنکه دمکراتیک باشد و واقعا به رای مردم رجوع شود مخالف نیستیم. مثلاً برای تعیین تکلیف مسئله کرد و خاتمه دادن به این مسئله در کردستان ما میگویم باید رفراوندوم بشود مستقیماً کاملاً دمکراتیک و بر اساس رای مستقیم و آزادانه مردم که بیایند و رای بدهند که میخواهند جدا شوند یا نشوند. بنابر این ما با رفراوندوم مخالف نیستیم ولی آنجا که رفراوندوم به تعیین يك حکومت مربوط می شود این به بعد از سرنگونی مربوط است. به بعد از انقلاب مربوط است. چون همانطور که گفتم انقلاب فقط ظاهر را عوض نمی کند، انقلاب فقط دولتمردان را جابجا نمیکند، انقلاب تمام ماشین حکومتی با تمام ابزار سرکوب و انقیاد و سلطه اش بر جامعه را در هم میریزد و این امکان را میدهد که مردم مستقیماً در تعیین سرنوشت خودشان دخالت کنند. بعد از این شرایط شما میتوانید رفراوندوم انجام دهید.

تماشائی در تأیید رژیم خواهد بود و اعتبار حکومت را نشان خواهد داد ولی دیدیم واقعا تماشائی بود ولی درست برعکس آنچه خامنه ای و بقیه شان ادعا میکردند. ولی رفراوندوم مردم جدی است. مردم دارند با پایشان رای میدهند. مردم در خیابانها دارند داد میزنند که این حکومت باید برود. دارند دستگیری میدهند دارند کشته میدهند، و با اینحال دارند جلو میروند و اعتراضشان وسیعتر می شود. نمیدانید رای مردم را؟ چرا باید رفراوندوم کرد؟ دلیلش همچنانکه گفتم اینست که میخواهند قطار انقلاب متوقف شود و مردم سوار دوچرخه شوند.

خلیل کیوان: وقت کم داریم ولی در آخر دو سوال دیگر دارم. اول میخواستیم بپرسم فصل مشترک این گفتمانهای روحانی، سلطنت طلبها، اصلاحات چی ها، ملی اسلامی ها که میگویند رفراوندوم کنیم در چیست؟ چرا همه اینها به این نقطه اشتراك رسیده اند؟

حمید تقوایی: این فشار انقلاب است. ببینید فشار انقلاب فقط بر حکومت نیست، بلکه بر نیروهایی هم هست که تغییراتی در حکومت میخواهند، و یا حتی براندازی میخواهند ولی انقلاب نمیکشود. قضیه این است. بعنوان نمونه اصلاح طلبی نظیر خانم عبادی اگر انقلاب نبود همچنان میگفت اسلام با حقوق زن تناقضی ندارد، اسلام نوع خوب داریم و اسلام متعادل و معتدل و غیره باید بیاید و غیره. آقای سازگارا و بقیه شان هم همینطور. در واقع این فشار انقلاب است که باعث شده است اینها به صرافت رفراوندوم بیافتند. همانطور که اشاره کردم برای خودشان این به قدمی به جلو است ولی از نظر مردم این هیچ است. وقتیکه مردم تا صد رفته اند و شما میگویید پنجاه، دارید عقب شان میکشید. من میگویم خانم عبادی و یا سازگارا و مخملباف اگر اینها صدای انقلاب مردم را شنیده اند میبایست اعلام میکردند که ما گرچه تا بحال خواهان استحاله حکومت بوده ایم اما اکنون به این نتیجه رسیده ایم که این ممکن نیست. زنده باد انقلاب مردم و پشت انقلاب مردم

پزشکان "طرحی" در سراسر کشور دست به اعتصاب زدند

خطاری و اولتیماتوم انجام شده بود. اما اعتصاب امروز از حدود يك ماه قبل با جمع آوری امضا و نامه به وزیر بهداشت مطرح شد و سرانجام به اعتصاب بزرگ پزشکان منجر شد. همزمان با اعتصاب، در برخی شهرها از جمله شهر لار در استان فارس پزشکان دست به تجمع اعتراضی زدند.

علاوه بر پزشکان، روز ۲۴ بهمن کارکنان کلیه مراکز رادیولوژی، ام آر آی و سونوگرافی در گرگان در اعتراض به عدم دریافت بودجه از طرف بیمه دست به اعتصاب زدند و در تهران صدها نفر از متخصصان رادیولوژی و سونوگرافی در مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند.

اعتصاب سراسری پزشکان و کارکنان بیمارستان ها گام دیگری در تداوم اعتصابات و اعتراضات کارگران و عموم مردم و نشاندهنده تعمیق بحران و ناتوانی حکومت در تأمین ساده ترین نیازهای اکثریت زحمتکش جامعه است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ بهمن ۱۳۹۶، ۱۴ فوریه
۲۰۱۸

بروجن، خواف رزن، بهار، کبودر آهنگ، فامنین، میبد، اردکان، یاسوج، سیرجان، سرپل ذهاب، صحنه، بافق، مهران، حاجی آباد، میناب، سلماس، آشخانه، رودان، گناباد، پلدختر، سپید دشت، شوش، الشتر، آق قلا، نور، داراب، آباد، چالدران، تاکستان، نهاوند، کمijan، چابهار، اردستان، بندرگناوه و اسداباد. این بزرگترین و فراگیرترین اعتصاب پزشکان ایران در سی سال گذشته است.

پزشکان طرحی در اعتراض به تاخیر یکساله کارانه و شرایط بسیار نامناسب معیشتی اقدام به اعتصاب کرده و از صبح روز ۲۵ بهمن از حضور در درمانگاهها و ویزیت بیماران غیورآرزاس اجتناب کردند. مطالبات اصلی پزشکان متخصص طرحی شامل پرداخت کارانههای عقب افتاده، جلوگیری از کسورات عجیب و پلکانی غیرمنصفانه و همچنین اعطای حق مطب است.

در ماههای گذشته بحث اعتصاب پزشکان در گروههای مجازی مطرح شده بود و در مواردی بصورت محدود و عمدتاً به صورت

از صبح روز ۲۵ بهمن بیش از ۱۵۰۰ پزشک "طرحی" در ۱۱۵ شهر دست به اعتصاب زدند. اعتصاب پزشکان علیرغم تهدیدها و وعده ها و با اعلام از قبل صورت گرفت. شهرهای زیر از جمله شهرهایی هستند که پزشکان دست به اعتصاب زده اند: کاشمر، بردسکن، تایباد، بجستان، تربت جام، ایذه، باغ ملک، رامهرمز، امیدیه، بهبهان، مسجد سلیمان، دزفول، خوی، تکاب، دورود، الیگودرز، بروجرد، ازنا، کوهنشت، خلخال، خرمدره، ابهر، خدابنده، شهر بابک، جیرفت، بم، اندیمشک، بناب، شبستر، هریس، اهر، اسکو، آذر شهر، عجب شیر، بستک، بندرلنگه، دهدشت، نورآباد، پارس آباد، علی آباد کتول، نکا، اسفراین، طبس، شاهرود، نقده، لار، ارومیه، دلجان، محلات، ساوه، استهبان، لامرد، نکا، فاروج، بجنورد، شیروان، زرقان، اسدیه، زرنیسه، جاجرم، آغا جاری، سربیشه، فیروز آباد فارس، دیلم، درگز، ورزقان، بهشهر، گلوگاه، زرباب، مرند، خورموج، گرمی، مرودشت، محمودآباد، گراش، اقلید، سرخس،

در ایران مبارزه فقط علیه حکومت اسلامی نیست، علیه مذهب و اسلام و الله هم هست!

دولت آلمان و پست مدرنیستها از حکومت اسلامی و حجاب و ارتجاع دفاع میکنند!

سخنرانی پرشور مینا احدی در مقابل هتل ماریتیم در برلین در روز ۱۲ فوریه



کاری يك نمایش فمینیستی است در دفاع از حق انتخاب زنان، نه این درست نیست حجاب الان يك سمبل مهم يك جنبش اسلامی است، سمبل يك جنبش زن ستیز، و امروز زنان در خیابانهای ایران علیه این حجاب اجباری مبارزه میکنند. فراخوان من به همه فمینیستها در دنیا به سازمانهای مدافع حقوق زنان در آلمان و در دنیا اینست لطفا هشت مارس امسال به خیابان رفته و از این زنان دفاع کنید. از دختران خیابان انقلاب و از جنبش زنان در ایران علیه حجاب، ما امروز اینجا در مقابل هتل ماریتیم در برلین هستیم ما ساعت ۱۱ صبح هم اینجا بودیم، ما مخالفین حکومت اسلامی این جشن کذایی جمهوری اسلامی را برای ۴۰ امین سالگردیده قدرت رسیدنش به يك افتضاح سیاسی برای رژیم اسلامی و هتل ماریتیم تبدیل کردیم، من در اینجا یکبار دیگر از طرف میلیونها نفر از مردم ایران سرنگون باد حکومت اسلامی!

fb.com/wpIran/

در آلمان خود را سکولار اسم میگذارند، کسی که خود را مدرن میدانند و خواهان جدایی مذهب از دولت است، باید این جنبش را ببینند و از آن دفاع کند، من میگویم جنبش های موجود در ایران جنبش زنان، جنبش سکولاریستی، جنبش کارگری و جنبش دانشجویی، جنبش علیه فقر همه مهم هستند، چرا که این پاسخ اجتماعی و سیاسی عمیق به يك جنبش وحشیانه و زن ستیز و ضد انسانی به اسم اسلام سیاسی است، جنبش اسلامی نه فقط در ایران بلکه در خاورمیانه منشا مصیبت های فراوان است. همه دیدند حکومت اسلامی منشا چه مکافات و بدبختی هایی برای مردم آن منطقه است، در فلسطین در اسرائیل، در یمن، عراق و کشورهای دیگر، این جنبش در ایران يك جنبش پیشرو است. دولت آلمان و دولت اروپایی کماکان برسیاست دفاع از حکومت اسلامی تاکید میکنند، آنها اسلام سیاسی را مورد حمایت قرار میدهند، همانطور که گفتم نه فقط دولت آلمان بلکه بسیاری از روشنفکران در آلمان و در کشورهای اروپایی، بسیاری از پست مدرنیستها کسانی که میگویند، برقع و نقاب در خیابانها بیانگر حقوق زنان است، حجاب کودکان، حجاب در مدارس و محیط های

ایم، این انقلاب مهم است نه فقط برای ایران بلکه يك رنسانس عمیق اجتماعی در يك کشور اسلام زده است. این يك انقلاب است علیه جنبش اسلامی در همه دنیا، اگر شما میخواهید در برلین آرامش داشته باشید اگر میخواهید در برلین ترور و عملیات تروریستی اتفاق نیفتد، شما موظف هستید این جنبش انقلابی در ایران را دیده و از آن حمایت کنید، درست برعکس سیاست دولت آلمان، که این جنبش را كوچك جلوه داده و از آن کناره میگیرد. در ایران يك جنبش بزرگ کارگری در جریان است در رسانه های آلمانی از این جنبش عظیم کارگری زیاد صحبت نمیشود، در ایران يك جنبش سکولاریستی در جریان است، در ایران يك جنبش علیه خدا در جریان است، به همین طور است، علیه اسلام يك جنبش را شاهدیم، چرا که شما بعنوان يك زن حتی اگر میخواهید نفس بکشید، با این سیستم شانس زیادی ندارید، و همه چیز را با عنوان اینکه ضديت با خدا است سرکوب میکنند. اگر يك زن بخندد، اگر به خیابان برود و اگر رابطه جنسی و سکس داشته باشد، همه چیز ممنوع است، به اسم يك خدا به اسم يك الله، و مردم الان علیه همین الله هستند و این بسیار مهم است، هر کس و یا هر سازمانی که

۱۳۶۰ تا ۶۷ تاسیس شد. چرا که این حکومت هزاران و هزاران نفر را اعدام کرد. از دانشگاه ما از فامیل و اقوام خودم و از کسانی که من آنها را می شناختم صدها نفر را دستگیر و زندانی کردند و تعداد زیادی از آنها را کشتند. خطاب به ما زنان گفتند یا روسری یا توسری. این شعار و فراخوان آنها بود، میلیونها زن به خیابان رفتند در شهرهای مختلف ایران و من یکی از این زنان بودم، ما با صدای بلند میگفتیم ما اصلا حکومت اسلامی نمیخواهیم ما حجاب اسلامی را نمیخواهیم، آزادی نه شرقی است نه غربی جهانی است، ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم، اما حکومت اسلامی ساخته شد و سرنوشت میلیونها نفر را رقم زد. يك دليل مهم حمایت کمک دولتهای غربی از اسلامیهها بود، کنفرانس گوادولوپ در سیاست ایران يك نام مهم است و هلموت اشمیت در آن کنفرانس بود و همراهی کرد برای ساختن حکومت اسلامی در ایران.

ما در ایران مبارزه را ادامه دادیم. بعد از داستان حجاب و حمله به زنان ما زنانی را دیدیم که در خیابان آنها را زنده زنده در يك گودال انداخته و سنگسار کردند، و من بعنوان يك زن همواره در آن دوران فکر میکردم، اگر جامعه جهانی و مردم در دنیا از چنین اتفاقی خبردار بشوند، همه بلند میشوند و همه کاری میکنند، اما دنیا نظاره گر شد و دولتها نقش زیادی بازی کردند، نه فقط دولتها بلکه پست مدرنیستها، مالتی کالترالیستها، افرادی که انتقاد به حکومت اسلامی را بیماری و فوبی نام گذاشتند، کسانی که حجاب را سمبل آزادی زنان نامیدند، ما امروز اینجا هستیم و من میخواهم بگویم در ایران يك جنبش بزرگ در جریان است يك انقلاب و ما برای ساختن این انقلاب کار کرده

سال قبل در ایران انقلابی علیه حکومت پهلوی، در آن دوران من دانشجو بودم و در میتینگهای اعتراضی شرکت میکردم و ما برای آزادی و برابری مبارزه میکردیم در آن دوران فیسبوک و تویتر نبود و ما از طریق رسانه هایی همچون بی بی سی شنیدیم که ظاهرا این انقلاب اسلامی است و این چنین بود که بر این انقلاب مهر اسلامی زده شد و آنرا اسلامی هم کردند.

امروز میخواهم در اینجا در مورد تاثیرات منفی سیاست ها و عملکرد دولت آلمان و دولت غربی حرف بزنم. ما در آن دوران مبارزه میکردیم و میگفتیم آزادی میخواهیم اما خمینی را بعنوان رهبر آن انقلاب به مردم حقه کردند و ایران کشوری است که در آن برای اولین بار جنبش اسلامی به قدرت رسید، زندگی من و ما بسیار ربط دارد با این جنبش سیاسی، اسلام سیاسی و نه فقط من بلکه میلیونها زن و میلیونها نفر از مردم دیدند معنی عملی يك حکومت اسلامی چیست. ۴۰ سال است در ایران يك حکومت اسلامی بر سر کار است و وقتی من در اینجا در آلمان و در برلین با سیاستمداران آلمانی صحبت میکنم و وقتی به آنها میگویم همچونسگرایان را در ایران اعدام میکنند و جنایات این حکومت را برملا میکنم، می شنوم باید صبر داشته باشیم، با اینها مشغول دیالوگ انتقادی هستیم، ابتدا میگفتند مشغول دیالوگ انتقادی هستیم و بعدا گفتند حکومت اسلامی قابل اصلاح است. آلمان و دولت غربی، خاتمی و روحانی را با احترام می پذیرفتند و میگفتند در ایران امید هست، امید رفم در حکومت اسلامی!

حکومت اسلامی در ۲۲ بهمن و یا ۱۲ فوریه تاسیس نشد، نه، این حکومت در دهه شصت و در فاصله



گزارشی از تظاهرات علیه مراسم جمهوری اسلامی در برلین

گزارش تهیه کردند. برنامه دوم تظاهرات ساعت ۶ بعد از ظهر به فراخوان گروه های آلمانی سازمان داده شده بود. در این تظاهرات مینا احدی به زبان آلمانی برعلیه سیاست های مماشات جویانه دولت آلمان با جمهوری اسلامی سخنرانی کرد. همچنین چندین سخنران از گروه های آلمانی نیز سیاست دولت آلمان در مماشات و همراهی با جمهوری اسلامی را محکوم کردند.

مخالفان جمهوری اسلامی به مدت دوساعت با سخنرانی و سردادن شعار به افشاگری حکومت پرداختند. تعدادی از عوامل و مزدوران حکومتی با ترس و لرز در حالی از طرف تظاهر کنندگان هو می شدند، با همراهی پلیس توانستند وارد هتل بشوند. مراسم حکومتی با این اعتراض مخالفان، به یک آبروریزی و افتضاح سیاسی دیگر برای جمهوری اسلامی تبدیل شد. چندین رسانه و خبرنگار همزمان از این اعتراض

اواخر ماه ژانویه جمهوری اسلامی اعلام کرده بود که قصد دارد روز ۱۲ فوریه سالگرد به قدرت رسیدنش را در هتل «ماریتیم» در برلین جشن بگیرد. در اعتراض به این مراسم حکومت، مخالفان جمهوری اسلامی از جمله حزب کمونیست کارگری سریعاً دست به کار شده و دو تظاهرات علیه جمهوری اسلامی سازمان دادند. تظاهرات اول صبح روز ۱۲ فوریه در مقابل هتل «ماریتیم» برگزار شد.



مردم به کل نظام جمهوری اسلامی حمله میکنند. اعتراضات مردم بر سر غارت و چپاول و علیه فقر است. حاشیه نشینها، مال باختگان، کارگران و اقشار و طبقات پایین جامعه به خیابان آمده اند، اعتراضات آنها خشم و نارضایتی میلیون ها نفر از مردم در ایران را بیان و بگوش حاکمان جنایتکار اسلامی رسانده است. با تلاشهای آگاهانه باید نگذاریم جان های عزیز بیشتری را از ما بگیرند. با سرنگونی جمهوری اسلامی و خلاصی از شر حاکمان جنایتکار بشریت نفس راحتی خواهد کشید.

۲۶ بهمن ۱۳۹۶
۱۵ فوریه ۲۰۱۸

سروآباد به دلیل انفجار کپسول گاز در اهواز
۲۳ بهمن به دلیل انفجار کپسول در یک واحد صنعتی هشت جوان کارگر مهاجر از شهرهای کردستان در به دلیل انفجار کپسول گاز زخمی و راهی مراکز درمانی اهواز شدند. این کارگران در شرکت ایستک خورشید زیروار اهواز کار می کردند.
در ایران تحت حاکمیت رژیم جنایتکار اسلامی جان انسان ازران تراز همه چیز است.
تا این نظام جنایتکار اسلامی در حاکمیت باقی مانده است، ما شاهد از دست دادن جان های عزیزانمان هستیم.

اطلاعیه خبری کمیته کردستان!
جان های عزیزی که ارزان از دست میدهم!
بسیژن قلوژی کارگر کارخانه آسفالت کامیاران جان باخت؛ بیژن قلوژی کارگر کارخانه آسفالت کامیاران که از روز ۱۹ بهمن با سوختگی ۸۰ درصدی با مرگ وزندگی دست و پنجه نرم میکرد در شب ۲۱ بهمن در بیمارستان جان باخت!
مرگ کارن الیاسی نوزاد سرپل زهابی
کارن الیاسی بر اثر عدم رسیدگی پزشکی و ناکارآمدی
امکانات دارویی و خدمات بیمارستان جانباخت.
جانباختن کارگران کولبر
بانہ: به دنبال یک هفته بی اطلاعی از شوانه رسولی کولبر ۲۵ ساله اهل روستای سیاومه ی بانہ، روز یکشنبه ۲۲ بهمن ماه جنازه وی در حالیکه دست و پایش بسته شده بود، در دره ای نزدیک "هنجینه ره شکه" بانہ پیدا شد.
ارومیه: جسد دو کولبر به نامهای جدیح و صبری ولی نژاد اهل روستای اوکی مارمیشو ارومیه که از روز شنبه در مناطق کوهستانی ارومیه ناپدید شده بودند یازدهم بهمن پیدا شد.
"حسین قلی زاده" زندانی در زندان مرکزی شهر سنندج توسط عوامل زندان به قتل رسید.
قبلا نیز سه زندانی دیگر به نام های سارو قهرمانی، کیانوش زندی و حسین قادری در این زندان به قتل رسیده بودند.
زخمی شدن ۸ کارگر مریوانی و

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



قلدری تمام شرط پرداخت حقوق های معوقه ی آنان را، منوط به داشتن کارت بانك انصار ذکر نموده است. کارگران در برابر این زورگویی آشکار ایستاده اند و تمام طلبهایشان را میخوانند. کارگران نی بر در دو قسمت مشغول بکار هستند که هر قسمت شامل سی دسته و هر دسته تقریباً ۵۰ کارگر دارد.

تاریخ برگزاری تجمع بزرگ بازنشستگان روشن شد

بازنشستگان که قرار بود برای پیگیری خواستههایشان در روز هشتم بهمین تجمع کنند و بدلیل برف و بوران شدید آنرا موقتاً به تعویق انداختند، به تجمع در ساعت ده صبح روز دوم اسفند در مقابل مجلس فراخوان داده اند. بازنشستگان از همکاران شاغل خود نیز دعوت به شرکت در تجمع کرده دوم اسفند را کرده و اعلام کرده اند که با خانواده هایشان خواهند آمد. بازنشستگان به حقوقهای زیر خط فقر و سرقت آشکار آن به صورت تعویق در پرداخت حقوقها، و تبعیض و نابرابری و حقوقهای نجومی و اختلاس ها اعتراض دارند. بازنشستگان به حقوقهای زیر خط فقر اعتراض دارند و یک گفتمان در میان آنها اینست که آنها نیز همچون تشکلهای کارگری که در بیانیه هایشان اعلام کرده اند، خواستار دستمزد ۵ میلیون تومان در ماه که امروز نرخ خط فقر در جامعه است، هستند. بازنشستگان همچنین خواستار درمان رایگان، مسکن مناسب، تحصیل رایگان برای فرزندانشان و یک زندگی انسانی هستند. بازنشستگان این خواستها را در شعارهای اعتراضی خود در تجمعاتی که قبلاً داشته اند بارها فریاد زده اند. خواستههای بازنشستگان خواستههای همه مردم

پتروشیمی ماهشهر که همچون کارگران هیکو با سردادن شعار طعنه آمیز مرگ بر کارگر، درود بر ستمگر کل بساط تبعیض و نابرابری سرمایه داری حاکم را به چالش کشیدند، اعتصاب ۱۵۰۰ کارگرنی بر هفت تپه و اعتراضات گسترده در شرکت های مختلف در منطقه پارس جنوبی و پتروشیمی ها و در شهرهای مختلف، جلو آمدن تشکلهای کارگری با خواست افزایش دستمزدها در گام اول ۵ میلیون، از جمله اخبار و مسائل داغ اعتراضی کارگری در هفته گذشته است. نگاهی کوتاه به این خبرها بیندازیم:

دومین روز تجمع کارگران پیمانکاران پتروشیمی ماهشهر

روز ۲۴ بهمین کارگران پیمانی پتروشیمی ماهشهر در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و قراردادهای پیمایی روبروی اداره کار این منطقه تجمع کردند. در این حرکت اعتراضی کارگران با شعار عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، زندگی کارگر روی هواست امروز؛ اعتراض خود را اعلام کرده و همچون کارگران هیکو در اراک با شعار طعنه آمیز مرگ بر کارگر، درود بر ستمگر کل بساط تبعیض و نابرابری و ستم سرمایه داری را به چالش میکشند.

اعتصاب ۳۰۰۰ کارگر نی بر در هفت تپه

نیشکر هفت تپه يك كانون داغ اعتراضات کارگری است. کارگران در مقابل قلدری های کارفرمایان و سرقت رفتن دستمزدهایشان با قدرت ایستاده اند. در این هفته سه هزار کارگرنی بر هفت تپه بخاطر تعویق پرداخت مزدشان دست به اعتصاب زدند. این کارگران در بعد از ظهر روز ۲۵ بهمین بابت اعتراض به عدم پرداخت دستمزد ماههای آذر و دی ماه خود دست از کار کشیدند. ظاهراً مدیریت شرکت به تازگی خواهان تعویض کارت بانکی آنان از بانک ملی به بانک انصار شده و با

خیزش انقلابی مردم به جلو میسرود و هر روز بیشتر عمق میگردد. نتیجه و بازتاب این خیزش را در وضع اسفناك حكومت در ۲۲ بهمین به روشنی میشد دید. این روزی که به گفته خامنه ای قرار بود روزی تماشایی باشد، به نمایش تمام عیار احتضار حكومت تبدیل شد. صف های تظاهرات حكومتیان در این روز که برایش کلی بسیج نیرو کرده بودند، خلوت و شعارهایشان از طرف همان ساندیس خوران حكومتی نیز به سخره کشیدن حكومتیان بودند. يك نشانه بارز از احتضار جمهوری اسلامی در این روز سخنرانی روحانی بود که آشکارا بن بستشان را اعلام کرد و چاره را در برگزاری فرمانوم بر سر موارد اختلافات خواند. جمعیت تظاهرات کنندگان نیز او را هو کردند و شعار دروغگو، دروغگو سر داده شد. در اظهارات و سخنرانی های حكومتیان هم این استیصال و بن بست موج میزد. تا جاییکه امام جمعه شازند اراک دیگر کنترل را از دست داده و مردمی را که شرکت نکرده بودند به باد ناسزا گرفت و از اینکه مردم هر روز بیشتر از انقلاب اسلامی عقب می نشینند، هوار میکشید. در شب همان روز نیز جوانان معترض در تهران و مشهد و اینجا و آنجا به خیابان آمدند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند. بازتاب این روز را در گفتمان های مردم معترض در سطح جامعه و در مدیای اجتماعی میتوان دید. مردم با هشتك "۲۲ بهمین تماشایی"، دارند رژیم را به سخره میکشند. بدین ترتیب ۲۲ بهمین بیش از هر چیز موقعیت قدرتمند مردم در برابر يك حكومت ترار و به بن بست رسیده را به روشنی به نمایش گذاشت.

در چنین فضایی از اعتراض است که جنبش اعتراضی کارگری گسترده و بالنده به جلو میسرود. فراخوان بازنشستگان كشوری، تامین اجتماعی، لشگری و صنایع فولاد به تجمع در دوم اسفند ماه، اعتراضات کارگران پیمانی

چنین آمده است: "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن حمایت از بیانیه سه تشکل کارگری سندیکای واحد، نیشکر هفت تپه و گروه اتحاد بازنشستگان و پیشنهاد حداقل مزد ۵ میلیون تومان؛ اعلام می دارد که برای دست یافتن به این حداقل، به يك نیروی متحد و يك پارچه طبقاتی نیاز است و این جز با اتحاد، مبارزه متشکل و متحدانه ممکن نیست. خواست دستمزد ۵ میلیون تومانی همراه با خواسته نان و آزادی را يك صدا فریاد بزیم. پیروزی ما در گرو وحدت طبقاتی ماست."

قبلاً نیز جمع های از کارگران همچون کارگران پروژه های پارس جنوبی، جمعی از کارگران پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندر امام، فعالان کارگری جنوب، فعالان کارگری شوش و اندیشمك، جمعی از کارگران محور تهران - کرج با این خواست اعلام حمایت کرده اند. در دیماه نیز يك بند از خواستههای بیانیه ۵ تشکل کارگری اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه، سندیکای نقاشان استان البرز، كانون مدافعان حقوق کارگر در رابطه با اعتراضات خیابانی تاکید بر افزایش حداقل مزد کارگران و کارکنان دولت و بخش خصوصی تا پنج برابر مبلغ کنونی بود. جنبش علیه فقر، علیه حقوقهای نجومی و برای خواست افزایش دستمزدها، امروز جنبشی خیابانی است. وسیعاً به این اعتراض پیوندیدیم. خواست فوری حداقل دستمزدها ۵ میلیون تومان است.

است. از بازنشستگان و خواستههایشان وسیعاً حمایت کنیم.

افزایش دستمزدها در اولین گام ۵ میلیون

ماههای آخر سال است و بحث بر سر خواست افزایش دستمزدها داغ است. امسال کارگران با اعلام اینکه حداقل دستمزد لازم برای تأمین زندگی يك خانوار ۴ نفره در سال ۱۳۹۷ به ۵ میلیون تومان در ماه بالغ می گردد، با خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان در گام اول به میدان آمده اند. این موضوع ابعادی اجتماعی دارد و خود يك موضوع داغ در میان بازنشستگان، معلمان و بخش های وسیعی از حقوق بگیران جامعه است. طرح خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان و اعتراض به دستمزدهای چند بار زیر خط فقر در شرایطی که کل جامعه علیه فقر، گرانی، بیکاری و جهنم جمهوری اسلامی به پا خواسته است، مضمون و محتوای دیگری پیدا کرده است. در چنین شرایطی جلو آمدن کارگران با خواست افزایش دستمزدها، چالش بزرگی برای حكومت اسلامی است. نکته حائز اهمیت اینجاست که صف آرایی ها دارد شکل میگردد و کارگران با بیانیه هایشان دارند به میدان می آیند. در این هفته کمیته هماهنگی تشکل های کارگری طی بیانیه حمایت خود را از بیانیه سه تشکل کارگری سندیکای واحد، سندیکای نیشکرهفت تپه، گروه اتحاد بازنشستگان با خواست حداقل دستمزدها پنج میلیون تومان اعلام داشت. در بخشی از این بیانیه



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

استحاله چی های سابق و فراندوم چی های امروز

شهلا دانشفر

۱۵ نفر از شخصیت‌های سیاسی بیابیه‌ای را امضا کرده و در رابطه با تعیین نوع حکومتی آتی به فراندوم فراخوان داده اند. شخصیت های امضا کننده این بیابیه همان شخصیت‌های دوم خردادی و اصلاح طلب حکومتی هستند. اینها همان کسانی هستند که زیر فشار اعتراضات مردم قبلا دم از استحاله و تغییرات تدریجی در درون حکومت میزدند و اکنون زیر فشار خیزش انقلابی مردم به بن بست رسیده اند و با اعلام آشکار شکستشان، فراندوم چی شده اند. اینان همان کسانی هستند که تا دیروز میگفتند اسلام با حقوق بشر تناقضی ندارد و امروز در اوج بن بستشان از استبداد دینی دم میزدند و با طرح کذابی فراندوم به عنوان راه گذار "مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی به یک دموکراسی سکولار پارلمانی جلو آمده اند. بر اساس طرح فراندوم این حضرات ظاهرا قرار است که مردم با مبارزاتشان برگزاری فراندوم برای براندازی را به حکومت تحمیل کنند. اسمش را هم گذار مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی به یک دموکراسی سکولار پارلمانی گذاشته اند.

اینان کوتاه فکراتی هستند که با طرحهای کودخانه ای از این دست میخواهند مسیر انقلاب مردم را به انحراف بکشاند.

از جمله مخملباف یکی از امضا کنندگان این بیابیه همین روزها در نامه ای سرگشاده به خاتمی لب و اساس موضوع را فاش میکند. او در این نامه با اذعان به ناامیدی مردم از اصلاحات، فراندوم را از اصلاحات کارآمدتر خوانده و آنرا سریع ترین راه حل مشکلات و راهی برای رسیدن به "شکوفایی اقتصادی" و بازگشت سرمایه‌های ایرانی میخواند.

او در سخنانش با بیشر می تمام انقلاب مردم به جان آمده را، "انقلاب خشن" میخواند و در برابر همین خشم عظیم مردم است که او و امضا

کنندگان بیابیه شان وحشت زده بر گذار مسالمت تاکید دارند. تا مبادا به کل بساط سرکوب و جنایت سرمایه داری حاکم آسیبی برسد. مخملباف از خطر حمله امریکا سخن میگوید تا بقول خودش خطر سوریه ای شدن ایران را مقابل مردم بگذارد و در این میان راه بیلرد خودش را برای حفظ سرمایه های ملی و راه حلی برای شکوفا شدن اقتصاد به گل نشسته حکومت اسلامی به میان بکشد.

مخملباف و دارودسته امضا کننده بیابیه کذابی فراندوم خوب میدانند که کار حکومت اسلامی به پایان رسیده است و شاهد به روغن سوزی افتادن نظام بربریت حاکمند. از اینروست که با طرح فراندوم "تحت نظارت مجامع بی طرف" جلو آمده و در تلاشند تا بقول خودشان "بدون اینکه خونی ریخته شود"، سیستم سرمایه داری حاکم را نجات دهند و اقتصادش را شکوفا سازند. وعده شان نیز اینست که با فراندوم تحت نظارت مجامع بی طرف، استبداد را برخواهند انداخت. و تمام نویدشان حفظ سرمایه های ملی از گزند "انقلاب خشن" مردم است.

این چنین است که مشتکی اصلاح طلب و استحاله چی دیروز تبدیل به فراندوم چی های امروز شده و میکوشند جلوی متلاشی شدن خونبارترین و جنایتکارانه ترین سیستم برده وار سرمایه داری حاکم را بگیرند و به عنوان ناجیان نظام پا به میدان گذاشته اند.

اما روشن است که هیچ حکومتی برای براندازی خود فراندوم نمیگذارد و همه کس بخوبی میدانند که فراندوم در جمهوری اسلامی بی معناست. بعلاوه برگزاری فراندوم با دخالت سازمان معنایش، خود بخود به معنای حق آزاد انتخاب برای مردم نیست. فراندوم وقتی معنا دارد که این حکومت سرنگون شود و مردم در شرایطی آزاد در آن شرکت کنند و حکومت آتی خود را برگزینند. و

معمولا این احزاب و نیروهایی که در سرنگونی حکومت نقش اصلی را داشته اند، فراخوان دهنده فراندوم در فردای انقلاب هستند. اما فراندوم قبل از سرنگونی رژیم دیکتاتوری و سرکوبگر حاکم معنایی جز فریب مردم و حفظ سیستم حاکم و منحرف کردن مبارزات مردم ندارد و نهایتا چیزی شبیه همان مضحکه های انتخاباتی حکومت خواهد بود. بنابراین کسی که یک فراندوم عمومی واقعی بخواهد باید امروز طرفدار انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی باشد.

فراخوان به فراندوم از سوی این ۱۵ استحاله چی سابق که با دستپاچگی تمام وسط پریده و در برابر انقلاب مردم، در فکر نجات سرمایه های ملی و شکوفایی اقتصاد به بن بست رسیده شان هستند، راه حل مردم نیست. اگر چه امضا کنندگان این بیابیه خودشان نیز خوب میدانند که دیگر برای حکومت اسلامی و اقتصاد به گل نشسته اش راه علاجی وجود ندارد و طرحهایی از این دست سرانجام محتومش شکست خواهد بود. ولی همه تلاششان را میکنند تا بلکه با بدست گرفتن خطر حمله امریکا به ایران و ترساندن مردم از خونین شدن مبارزاتشان، صف متحد مردم را

به این کشتار گاه باید سریعا پایان داد

کاظم نیکخواه

این روزها يك موضوع بحث همه خبر تاسف انگیز جان باختن کاوس سید امامی در درون زندان است. به خانواده و بستگان و دوستان کاوس سید امامی این ضایعه را تسلیت میگویم. طبق معمول حکومت میگوید کاوس سید امامی که زیست شناس بوده خودکشی کرده است. اما حتی خودیها و مجلسی هایشان هم این ادعا را باور نکردند. جمهوری اسلامی ادعا میکند که تیم تحقیقات محیط زیستی که کاوس سید امامی و شماری دیگر جزو آن بوده اند مشغول جاسوسی به نفع اسرائیل بوده است. اما چه کسی به ادعاهای حکومت اسلامی میتواند اعتماد کند؟ مگر صد بار این نوع ادعا ها را در مورد دستگیر شدگان طرح نکرده اند؟ مگر همین چند ماه گذشته چندین نفر را در زندانها "خودکشی" نکردند؟ تازه بفرض اگر

کسی جاسوسی هم کرده باشد چرا باید شکنجه شود و به قتل برسد؟ سزای هیچکس شکنجه و قتل نیست. يك جامعه انسانی به جاسوسان نیز انسانی و عادلانه برخورد میکند و يك حکومت جنایتکار با شریفترین انسانها نیز شیرانه ترین رفتار را دارد.

روشن است که این باند چپاول و کشتار دارد به ته خط میرسد. اما هر يك روز ادامه حیاتش به قیمت جان شماری از مردم تمام میشود.

روزی که ایران از شر جمهوری اسلامی خلاص شود، بشریت نفسی براحتی خواهد کشید. باید تلاش کنیم که تحقق این روز زیاد طول نکشد. باید تلاش کنیم که شمار بیشتری از انسانها را از چنگ گرگان اسلامی نجات دهیم.

(برگرفته از فیس بوک
کاظم نیکخواه)

میکشند، انتخاباتشان نه فقط سرنگونی جمهوری اسلامی بلکه کل سیستم دزدی و جنایت حاکم است.

[fb.com/
wpiran/](https://fb.com/wpiran/)

**حجاب تحمیلی و هر گونه
جداسازی جنسیتی باید فوراً ملغی
شود و آزادی پوشش برقرار گردد.
کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز
علیه زنان باید فوراً لغو شود و حقوق
برابر زن و مرد در همه زمینه ها
اعلام شود.**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party Of Iran

Yahsat
کانال جدید
KANALJADID

پلاریزاسیون عمودی	فرکانس ۱۲۵۹۴
اف ای سی ۲/۳	سیگنل ریت ۲۷۰۰

به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن در همبستگی با دختران انقلاب در ایران

ایستگاه Balladgatan
 روز و ساعت این برنامه را بخاطر
 بسپارید و دوستانتان را با خودتان
 بیاورید. توجه کنید که این برنامه
 بجای ۸ مارس روز شنبه ۳ مارس
 برگزار میشود. ورودی ۵۰ کرون
 (برای پناهجویان رایگان است)

سخنرانی: فریده آرمان - اصغر
 کریمی
 اجرای تئاتر
 سپس به همراه DJ مرجان برای
 شما عزیزان شرکت کننده برنامه های
 شادی را تدارک دیده ایم.

زمان: شنبه ۳ مارس
 مکان: Folkets Hus
 Backa
 ورود به سالن ساعت ۱۹
 با اتوبوس های ۱۸ و ۱۹

زنده باد هشت مارس، زنده باد دختران انقلاب!

هشت مارس روز جهانی زن، روز
 زنان و مردان پیاخاسته علیه کل
 قوانین و سنتها و نیروهای ضد زن
 است. روز نه گفتن به حجاب، روز
 انقلاب زنانه علیه توحش زن ستیز، و
 روز جاری کردن قانون برابری و آزادی
 در همه جا. دختران خیابان انقلاب با
 حرکت نمادین خویش نشان دادند که
 امروز ارتجاع چقدر سست و شکننده
 است! این تنها گوشه کوچکی از
 قدرت زنان است. در هشت مارس
 امسال با زیر پا افکندن گسترده طوق

Bürgerhaus Zollstock

Rosenzweigweg 3, 50969 Köln

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن
جشن همبستگی با دختران خیابان انقلاب

سخنران مینا احدی

شنبه ۳ مارس ۲۰۱۸ ساعت ۱۷



به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

سناریوی سیاه خودکشی

آرش دشتی

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

دیکتاتورها از آزادی اندیشه وحشت دارند. زیرا پاسدار سلطه اقلیت چپاولگر بر اکثریت مردمند. اولین گام انقلاب مردم در همه جا گشودن در زندانهاست. انقلابی که در ایران آغاز شده با اعلام قانون آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان و تشکل، برای همیشه به دوران زندان و زندانهای سیاسی پایان خواهد داد. با سرنگونی توحش اسلامی سرمایه داران، عزیزان در بند را از چنگ

دژخیمان رها خواهیم کرد و جامعه ای انسانی و آزاد و برابر را پی خواهیم ریخت.

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ بهمن ۱۳۹۶، ۱۳ فوریه
۲۰۱۸

کارگری، دانشجویی، زنان و معلمان و درویش و محیط زیست هیچ فرقی نمی کند. حکومت بیداد، برای سرکوب و ارعاب و جلوگیری از شعله ور شدن آتش جنبش سرنگونی، در هر دوره ای دست به جنایت جدیدی می زند. شکنجه می کند، توباب می سازد، اعتراف می گیرد، تیرباران می کند، به دار می آویزد و به انواع بیماری های منجر به مرگ مبتلا می سازد. تجاوز می کند و قرض می خوراند و به عنوان یک سناریوی کثیف و ضد انسانی، معترضان را "خودکشی می کند". حکومت زندان و غل و زنجیر اسلامی باید بداند که مردم، هیچکدام از دروغ هایش را دیگر باور نمی کنند و به میدان آمده اند تا پرونده ی قطور سراسر جنایت اش را برای همیشه ببندند و سران جنایتکار این جرثومه ی فساد و تباهی را به دادگاههای مردمی بسپارند.

زندان دست به خودکشی زده اند و کاووس سیدامامی تا این لحظه آخرین زندانی است که خودش را کشته است؟؟!!!!

سناریوی سیاه حکومت در باره ی بازداشت شدگان خیزش ۱۳۹۶، خودکشی است. در میان سوالات زیادی که در زمینه ی خودکشی وجود دارد، این سوال بیشتر برسر زبان هاست که با وجود این همه دوربین و خبرچین و مراقبت ها و زندانبانان که مورچه را هم زیر نظر دارند، چگونه تا کنون چند زندانی توانسته اند - چنان که قوه ی قضاییه ادعا می کند- خودشان را با کیسه نایلون حلق آویز کرده باشند؟

اسم رمز آدمکشان زندان ها، در سال ۱۳۹۶، خودکشی است. یعنی پاسداران و زندان بانان، زندانی ها را خودکشی می کنند! برای آدمکشان جمهوری قتل و غارت اسلامی، فعالان جنبش

در خیرها آمده است که یکی از بازداشت شدگان مرتبط با فعالیت های محیط زیست، روز گذشته در زندان اوین، خودکشی کرده است!

معصومه ابتکار، رییس سابق سازمان حفاظت از محیط زیست در اظهارنظری متفلاشه گفته است:

"بهتر است در زمینه ی خودکشی این فعال محیط زیست فعلا حرفی نزنم، ولی نگرانم!"

در چند روز گذشته تعدادی از فعالان محیط زیست دستگیر شده اند که در میان آنها، معاون سازمان محیط زیست و یک استاد دانشگاه به نام کاووس سیدامامی هم دیده می شود.

می گویند کاووس سید امامی به جاسوس بودن خود اعتراف کرد و خودکشی کرد!

پس از خیزش سراسری دی ماه امسال (۱۳۹۶) و دستگیر شدن بسیاری از معترضان، چند نفر در

آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب در ایران فوراً باید اعلام و برقرار شود.



Down with the Islamic regime of Iran!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

انترناسیونال

نشریه حزب
کمونیست کارگری

سرمدبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

مشخصات کانال جدید در یاه ست:

فرکانس 12594

سیمبل ریت 27500

FEC 2/3

پلاریزاسیون عمودی

هاتبرد:

فرکانس 11471

سیمبل ریت 27500

FEC 5/6

پلاریزاسیون عمودی

کانال جدید از امروز روی دو ماهواره یاه ست و هاتبرد پخش میشود

به اطلاع عموم میرسانیم که با توجه به شروع خیزش انقلابی مردم و اوضاع متحولی که در ایران شروع شده است، تلویزیون کانال جدید که در یکسال گذشته از ماهواره یاه ست پخش میشد، از امروز ۲۲ دیماه (۱۲ ژانویه) از هاتبرد نیز پخش میشود.

مشخصات کانال جدید در این دو ماهواره را به دیگران اطلاع دهید. کانال جدید صدای مردم است، صدای انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی، صدای مردمی که در خیابان ها فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی سر میدهند و در کارخانه ها دست به اعتصاب و تجمع مینند. صدای مادران و پدرانی است که در مقابل زندانها آزادی عزیزان خود را میخواهند. صدای مردم به خروش آمده علیه کل دم و دستگاه جنایت و چپاول اسلامی است. صدای زنانی است که تبعیض و تحقیر و نابرابری و تحمیلات اسلامی را نمیخواهند. این رسانه را به هر شکل که میتوانید از جمله با کمک مالی تقویت کنید.

کانال جدید